

مطالعه تطبیقی عوامل و انواع شادی در قرآن و عهدین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۹

عباس اشرفی*

سوسن براری**

چکیده

شادی و نشاط از جمله نیازهای روحی و روانی انسان است که در جنبه‌های مختلف حیات وی ایفای نقش می‌کند. با این حال، همیشه سؤالاتی در این رابطه ذهن انسان‌های معتقد را به خود مشغول داشته که آیا محتوا و قالب شادی با روح دین و فطرت انسانی سازگار است و آیا هر نوع شادی و نشاطی مورد موافقت شرع می‌باشد و آیا ادیان آسمانی در این رابطه به نیازهای روانی انسان نیز توجه کرده‌اند یا خیر؟

نگاه اجمالی به ادیان الهی بیانگر این مطلب است که ادیان آسمانی هم به نیازهای روحی و هم به نیازهای جسمی انسان توجه داشته و به خصوص از طرح موضوع شادی و نشاط غافل نبوده‌اند. وجود آیات متعدد در قرآن کریم و عهدین حاکی از اهمیت این موضوع در ادیان آسمانی است.

مقاله حاضر تلاش دارد با روش مطالعه تطبیقی، عوامل شادی و انواع آن را از منظر قرآن و عهدین مورد بررسی قرار دهد. بر اساس تعالیم ادیان آسمانی، در زندگی جاودان و ابدی انسان، شادی مطلوب جز در پرتو دین داری، تحقق نخواهد یافت. در این ادیان دین داری مصداق شادی مطلوب بیان شده، با این تفاوت که در قرآن کریم این موضوع به صورت دقیق، جامع و کامل، هماهنگ با تمام ابعاد زندگی انسان و منطبق با خواسته‌های فطری او جهت نیل به سعادت دنیا و آخرت طراحی شده است.

واژگان کلیدی

قرآن، عهدین، شادی، مطالعه تطبیقی

dr_a_ashrafi@yahoo.com

barari49@yahoo.com

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی

طرح مسئله

شادی و نشاط یک ضرورت و نیاز طبیعی است. از این روی جهان هستی به گونه‌ای طراحی شده که در آدمی شادی و نشاط ایجاد می‌کند، اما بر اساس هدف و فرجام زندگی، شادی و نشاط از دیدگاه دین، دارای حد و مرز است. محتوا و قالب شادی، نباید با روح توحیدی و انسانی دین در تضاد باشد، زیرا هر پدیده‌ای که انسان را از آرمان و غایت اصلی خویش دور سازد، به هیچ وجه مقبول دین نخواهد بود. بنابراین پدیده شادی و عوامل آن، به عنوان یک نیاز اساسی و ضروری تا حدی روا و مجاز است که مانع نیل انسان به اهداف اصلی‌اش نگردد.

در حقیقت این مقاله در صدد پاسخ دادن به این سؤال است که عوامل شادی از منظر قرآن کریم و عهدین چیست و بر چند نوع می‌باشد.

روش تحقیق این مقاله نیز روش توصیفی - تحلیلی، از نوع بررسی تطبیقی بین ادیان آسمانی می‌باشد، بدین صورت که آیات و جملات مربوط به موضوع شادی و نشاط از قرآن کریم و کتب عهدین استخراج و دسته‌بندی شده و سپس با مراجعه به تفاسیر و شروح متعدد کتب مقدس، دیدگاه ادیان آسمانی و مشابهت‌ها و مفارقت‌های هر کدام از آن‌ها در رابطه با موضوع مورد بحث احصاء شده است.

منظور از بررسی تطبیقی ادیان آسمانی؛ عبارت است از کنار هم قرار دادن اصول ثابت و فرعی ادیان مختلف به منظور بررسی و مقایسه دقیق آن‌ها (اشرفی، ۱۳۸۵، ص ۱).

۱. واژه شناسی شادی در قرآن کریم

در قرآن کریم مترادف‌های بسیاری برای مفهوم شادی آمده است که هر کدام تفاوت‌های خاص و ظریفی با یکدیگر دارد، لذا برای رسیدن به اهداف تحقیق، نیازمند بررسی واژگانی هستیم که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به موضوع شادی و نشاط اشاره کرده‌اند.

۱-۱. فرح

واژه «فرح» و مشتقات آن ۲۲ بار در قرآن کریم به کار رفته است. فرح درباره شادی‌های زودگذر و لذات بدنی و دنیوی به کار رفته (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱ ص ۶۲۷) و به دو معنای خشنودی و شادمانی و شادی همراه با تکبر و طغیان می‌باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۹۷). البته در قرآن کریم واژه «فرح» بیشتر در شادی‌های مذموم و ناپسند به کار رفته که منبعث از نیروی شهوانی و لذت توأم با خودپسندی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۴۱).

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰)؛ آن‌ها به خاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند و به خاطر کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند [مجاهدان و شهیدان آینده]، خوش وقت هستند (زیرا مقامات برجسته آن‌ها را در آن جهان می‌بینند و می‌دانند) که نه ترسی بر آن‌هاست، و نه غمی خواهند داشت.

در تشخیص اینکه چه هنگام «فرح» به معنای شادی ممدوح و چه زمانی به معنای شادی مذموم است، گفته‌اند هرگاه این واژه با قیدی ذکر شود، معنای پسندیده داشته و کاربرد این واژه بدون قید، به معنای مذموم آن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۹۸). در عین حال گاهی فرح به خاطر امر حقی ایجاد می‌شود که چنین فرحی ممدوح است مانند آنچه در آیه ذیل آمده است: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبَدَلِكَ فَليُفْرِحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸)؛ بگو: به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که این، از تمام آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است.

گاهی نیز فرح به خاطر امر باطلی ایجاد می‌شود که در این موارد مذموم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۳۳) مانند آنچه در آیه ذیل آمده است: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ آتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» (قصص: ۷۶)؛ قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد. ما آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک

گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد.

۱-۲. سرور

واژه «سرور» به معنای شادی باطنی است که با مشتقات آن ۳ بار در قرآن کریم آمده است. راغب اصفهانی سرور را شادی مکتوم در قلب می‌داند چرا که در ریشه سرور، مفهوم «سَرَر» می‌باشد که به معنای امر پنهان می‌آید، لذا در سرور معنای «سِر» ملحوظ است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۰۴). برخی نیز آن را نقطه مقابل حزن گرفته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۳۰).

کاربرد این واژه در قرآن کریم در خصوص شادی و نشاط مؤمنان در روز قیامت به خاطر عقیده خالص و عمل نیکی که در دنیا انجام داده‌اند، به کار رفته است: «فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» (انسان: ۱۱)؛ (مؤمنان به خاطر نیکیشان) خداوند آنان را از شر آن روز (قیامت) ننگه می‌دارد و آنها را می‌پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند.

همچنین در جایی دیگر آمده است: «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فَسَوْفَ يَحْسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا . وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق: ۷-۹)؛ پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، بزودی حساب آسانی برای او می‌شود و خوشحال به اهل و خانواده‌اش بازمی‌گردد.

۱-۳. نضره

واژه «نضره» به معنای طراوت و زیبایی، نعمت و زندگی، ثروت و به تعبیری حُسن و دارایی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۶۱) که ۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است، مانند آیات ذیل: «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ» (قیامت: ۲۲)؛ (آری) در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است و «تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ» (مطففین: ۲۴)؛ در چهره‌هایشان طراوت و نشاط نعمت را می‌بینی و می‌شناسی.

۱-۴. ضحک

واژه «ضحک» نیز به معنای خندیدن است که با مشتقات آن ۱۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است. ضحک، انبساط وجه است به طوری که دندان‌ها از سرور و شادی، ظاهر شوند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۱۲).

به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است که حضرت سلیمان (ع) پس از شنیدن کلام مورچه‌ای که به دیگر مورچگان می‌گفت: «... قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل: ۱۸)؛ (وقتی به سرزمین مورچگان رسیدند) مورچه‌ای گفت: «به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند، تبسم کرده و خندیده است: «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا» (نمل: ۱۹)؛ سلیمان از سخن او تبسمی کرد.

۲. عوام شادی در ادیان آسمانی

۲-۱. عوامل شادی در قرآن کریم

در رابطه با مهمترین عوامل شادی در قرآن کریم می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۱-۱. ایمان، دعا و توکل

نداشتن نگرانی و اضطراب و رسیدن به آرامش روحی، پایه و اساس شادمانی است و کسب آرامش روحی نیز میسر نخواهد شد مگر این که انسان به سرچشمه نیکی‌ها و زیبایی‌ها متصل شده و از آب گوارای آن، وجود تشنه خود را سیراب نماید.

آنان که به خداوند ایمان راسخ دارند، اغلب سختی‌های بسیار را به علت باور و اعتقادشان به خداوند متعال به آسانی و سهولت تحمل می‌کنند. خداوندی که گرچه ممکن است برخی اقدامات او در زمان حال برای انسان ناخوشایند باشد، اما نهایتاً عشق او به بندگانش در سایه قدرت و حکمتش آشکار خواهد شد. مردمانی که به خدا معتقد هستند، مشکلات را آسان‌تر می‌پذیرند چرا که آن را بخشی از خلقت و یا تدبیر الهی تلقی می‌کنند. بنابراین معنا و مفهومی در ورای این اتفاقات وجود دارد که انسان از آن آگاه نیست.

ایمان و اعتقاد به حکمت الهی و صلاحی که خداوند برای انسان در نظر گرفته است، به انسان این قدرت و امکان را می‌دهد که او را در دوران درد و رنج یاری نماید: «قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبُرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ. قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ» (انعام: ۶۳-۶۴)؛ بگو ای پیغمبر آن کیست که شما را از تاریکی‌ها و سختی‌های بیابان و دریا نجات می‌دهد، گاهی که او را به تضرع و زاری و از باطن قلب خود می‌خوانید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد پیوسته شکرگزار او هستیم. بگو خداست که شما را از آن سختی‌ها نجات می‌دهد و از اندوه می‌رهاند، باز هم به او شرک می‌آورید؟.

آدمی همواره در شدايد روزگار وقتی از اسباب ظاهري قطع امید می‌کند، به فطرت انسانی خود مراجعه کرده و مشاهده می‌کند که این تنها خداوند است که می‌تواند او را نجات داده و مایه آرامش گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۹۹).

روح انسان همچون زمین حاصل خیزی است که دانه‌های درخواست و نیاز در آن به خوبی می‌روید و خداوند نیز همواره همراه کسی است که همراه خداوند باشد. چنین انسانی نه ترس دارد و نه غم و نه اندوهی بر روح و جان او چنگ خواهد انداخت، زیرا آفرینش را هدف دار و هدف را خیر و تکامل و سعادت معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

۲-۱-۲. نیکی به دیگران

از جمله راه‌کارهایی که باعث می‌شود حزن و اندوه از دل انسان زدوده شود، علاوه بر ایمان و عمل صالح، نیکی به دیگران و اعطاء زکات و صدقه است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷)؛ آنان که اهل ایمان و نیکوکار هستند و نماز به پای می‌دارند و زکات می‌دهند، آنان را نزد پروردگارش پاداش نیکو خواهد بود و هرگز ترس و بیمی از حوادث آینده و اندوه و غمی از گذشته نخواهند داشت.

از نظر فیزیولوژیکی، چون در ادامه انجام کارهای نیک، شادی و انبساط روحی برای فرد نیکوکار به وجود می‌آید، این شادی باعث می‌شود نگرانی و غم‌هایی که در آن فرد وجود داشته، کمتر احساس شود. لذا می‌توان این گونه استنباط کرد که کمک به دیگران و انجام کارهای نیک، نوعی داروی آرام کننده برای آلام روحی انسان است. هنگامی که نور امید و نشاط در اعماق دل انسان روشن می‌شود، امواج کردار نیک با سرعتی بیش از سرعت تصورات انسانی در حرکت است تا بدون اتلاف وقت، اثرات کارهای نیک را در مغز انسان منعکس کرده، روان او را شاد و چهره او را از هم باز و لبخند خوشحالی را بر گونه‌های وی پرتو افکنده و موجبات انبساط خاطر انسان را فراهم می‌آورد (صانعی، بی‌تا، ص ۲۰۱).

۲-۳-۱. رزق و روزی

تلاش برای کسب روزی و داشتن یک زندگی بهتر باعث تحرک و فعالیت مضاعف انسان می‌شود، اگرچه انسان‌ها در مقابل مال و ثروتی که خداوند به آن‌ها هدیه نموده است ظرفیت یکسانی ندارند و عده‌ای آن را عاملی برای فخرفروشی و برتری‌جویی خود می‌دانند اما در کل، انسان در جهت به دست آوردن رزق و روزی امر شده است و چه بسا، تلاش و کوشش در جهت کسب مال، خود تفریح محسوب شود. اما باید دانست که تمامی امور این عالم به دست خداوند است و به هر کس که بخواهد و بنا به مشیت خود، عطا خواهد کرد.

لذا اگر انسانی معتقد به این امر باشد، نه از کم بودن رزق و روزی خود در عذاب است و نه از زیادی آن در رنج، چنان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ قَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» (رعد: ۲۶)؛ خداوند روزی را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) وسیع و برای هر کس بخواهد (و مستحق ببیند) تنگ قرار می‌دهد، ولی آن‌ها به زندگی دنیا شاد شدند در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت متاعی ناچیز است.

همچنین در آیه دیگر علت شادمانی و خوشحالی شهدا را نعمات فراوانی می‌داند که خداوند از فضل خود به آن‌ها بخشیده است: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ

يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰)؛ آن‌ها به خاطر نعمت‌های فراوانی که خدا از فضل خود به ایشان بخشیده است خوشحال هستند و به خاطر کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند، نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمی خواهند داشت.

۲-۱-۴. صبر و استقامت

آدمی باید بیاموزد که هر پدیده و هر واقعه‌ای، جنبه‌های مختلفی دارد و بسیاری از امور از طبیعت نسبی برخوردار هستند، لذا به هر واقعه و اتفاقی می‌توان از دو جهت نگاه کرد: یا بُعدی منفی برای آن در نظر گرفت و با بدبینی‌های موجود زندگی را بر خود و دیگران تلخ نمود، یا به بُعد مثبت مسئله نگریست و با کمی صبر و حوصله، مسائل را حل نمود.

خداوند متعال در قرآن کریم به جهت تقویت نگاه مثبت انسان به حوادث جهان، به آنان که در مقابل سختی‌ها و ناملایمات سر خم ننموده و با ایمان به حق، مشکلات را پشت سر می‌گذارند، وعده بهشت داده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَّا تَحْزَنُوا وَ أُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)؛ آنان که گفتند: محققاً پروردگار ما خداست و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان رحمت بر آن‌ها نازل می‌شوند و مژده می‌دهند که دیگر هیچ ترس و حزن و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده کرده‌اند، بشارت باشد.

۲-۱-۵. تفریحات سالم

هر انسانی پس از مدتی کار و تلاش شبانه‌روزی و مشغله‌های فکری متعدد، نیاز دارد که زمانی را آسوده در دشت و صحرا به گردش پرداخته و با دیدن مناظر سرسبز، دشت‌های وسیع، دریای بی‌انتها و شنیدن صدای آواز پرندگان خستگی را از جسم و جان خود دور نماید. خداوند متعال با توجه به شناختی که از ماهیت انسان به عنوان مخلوق خود دارد، یکی از عوامل ایجاد شادی و نشاط در وجود انسان را تفریحات سالم و گردش در طبیعت و مشاهده مناظر زیبا و نعمات الهی معرفی نموده است.

از همین روی در قرآن کریم موارد متعددی از زیبایی‌های طبیعت معرفی شده و در نهایت به انسان توصیه شده است که با سیر در طبیعت هم عبرت‌آموزی کند و هم روح و جان خسته خود را شاد نماید. از جمله زیبایی‌های طبیعت که موجب بهجت و شادی انسان می‌شود، مشاهده باغ‌های سرسبز است: «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» (نمل: ۶۰)؛ آن کیست که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده و از آسمان برای شما آبی فرستاده که با آن باغ‌های زیبا و سرورانگیز رویانندیم.

باران نیز به عنوان عامل حیات و سرسبزی و خرمی در قرآن کریم معرفی شده که با ریزش خود بر زمین خشک و بی‌آب و علف، باعث سرسبزی و حیات آن می‌شود: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيحٍ» (حج: ۵)؛ و زمین را بنگر که خشک و بی‌گیاه است، آن گاه که باران بر آن فرو باریم تا سرسبز و خرم شود و نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند.

ساعات تفریح سالم، یکی از پربهترین ساعات زندگی انسان است زیرا که در خلال آن، تمام فرسودگی‌ها و ناراحتی‌های گذشته جبران می‌شود. در هنگام تفریح، آدمی احساس نشاط، شادی، عدم مسئولیت و نیز آزادی می‌نماید. در دین مبین اسلام تا آن جا به مسئله تفریح سالم اهمیت داده شده که در این زمینه به برگزاری مسابقاتی حتی با قید شرطبندی نیز اجازه داده است.

به عنوان مثال پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصْلٍ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۹۸)؛ مسابقه دادن جز در سه مورد روا نیست: شترسواری، اسب دوانی یا تیراندازی. در تاریخ نیز آمده است که این مسابقات در حضور شخص پیامبر (ص) و با داوری و نظارت ایشان انجام می‌گرفت و حتی گاه شتر مخصوص خود را برای مسابقه در اختیار یاران می‌گذاشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۴).

۲-۱-۶. فرزندان و همسران

در قرآن کریم از قول پیامبران الهی آمده است که از خداوند طلب همسر و فرزندان نیکو و صالح داشته‌اند: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» (فرقان: ۷۴)؛ پروردگارا، از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده. نیز در داستان موسی (ع) می‌خوانیم که خداوند بر حضرت موسی (ع) منت گذاشته و او را مجدداً به سوی مادرش بازگردانده است تا موجبات خشنودی مادر وی را فراهم آورد: «فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَّا تَحْزَنَ» (طه: ۴۰). «قره العین» به معنای آرام گرفتن چشم است و کنایه از شادی و نشاط می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۰۳).

۲-۱-۷. هدیه و احسان

هدیه دادن و هدیه گرفتن به عنوان یکی از عواملی که باعث خشنودی انسان می‌گردد، مطرح است. در این امر، هم شخص گیرنده هدیه از دیدن آن شاد می‌شود و هم شخص هدیه دهنده، و در حقیقت یک تعامل دوطرفه در این امر حاکم است و می‌توان گفت کسی نیست که هدیه موجبات شادی او را فراهم نیاورد مگر انبیاء و اولیاء الهی که از همه زخارف و زینت‌های دنیا وارسته شده‌اند.

و به همین دلیل است که «بلقیس» - ملکه سبا - برای آزمایش حضرت سلیمان (ع)، هدایایی را برای او می‌فرستد تا او را بیازماید که پیغمبر است یا پادشاه، چرا که پیامبران چشم داشتی به اموال دنیایی نداشته و با دیدن هدایای هرچند هنگفت و گران‌بها، دلشاد نمی‌شوند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷، ص ۱۲).

قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ...» (نمل: ۳۵)؛ من (بلقیس) ارمغانی به سوی آن‌ها می‌فرستم و می‌نگرم که فرستادگان من با چه چیز باز می‌گردند، که حضرت سلیمان (ع) در پاسخ به هدایای ارسالی از سوی «ملکه سبا» بیان می‌دارد که: «أَتُمَدُّونَنِي بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ» (نمل: ۳۶)؛ آیا مرا به مالی کمک می‌دهید؟ آن چه خدا به من عطا کرده، بهتر است از آن چه به شما داده است، [نه] بلکه شما به ارمغان خود شادمانی می‌نمایید.

۲-۲. عوامل شادی در عهد عتیق

در ادامه به منظور بررسی عوامل شادی، به مطالعه کتب عهد عتیق پرداخته شده و نمونه‌هایی در این خصوص استخراج شده است که به شرح ذیل می‌باشد:

۲-۲-۱. ایمان به خدا و توکل بر او

اعتقاد به هر مذهبی یک احساس تعلق، وابستگی و ارتباطات اعتقادی بین پیروان آن مکتب به وجود می‌آورد و چارچوب معناداری را فراهم می‌سازد که در آن، فرد با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. این ارتباط در حقیقت به زندگی او معنا و شادی و نشاط بخشیده و در هنگام مشکلات و رنج‌ها، احساس امیدواری در او به وجود می‌آورند و سبب می‌شوند که انسان نگرشی جاودانه و ابدی برای خود اتخاذ کند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۲۵۳).

در کتب عهد عتیق ایمان به خدا، اطاعت، توکل و اعتماد داشتن به او نسبت به سایر عوامل شادی آفرین، فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده است. به عنوان نمونه در کتاب مزامیر، خداوند سرچشمه شادی‌ها عنوان شده: «امیدوارم که دعا و مناجات من او را خشنود سازد زیرا او سرچشمه سرور و شادی من است» (مزامیر، باب ۱۰۴، بند ۳۴-۳۵) و در موارد دیگر چنین آمده است: «امید ما بر خداست و او پشت و پناه ما می‌باشد. او سبب شادی ماست و ما به نام مقدس او توکل داریم» (مزامیر، باب ۳۳، بند ۲۰-۲۱).

همچنین این کتاب وجود شادی را در خداوند خلاصه می‌کند: «شادمانی خود را در خدا جستجو کن» (مزامیر، باب ۳۷، بند ۴-۵) و توکل بر او را عامل رهایی از مشکلات و رسیدن به سعادت می‌داند: «مشکلات خود را به خداوند بسپار، او آنها را برایت حل خواهد کرد» (مزامیر، باب ۵۵، بند ۲۲).

نهایت اینکه در مزامیر، حضرت داود(ع) با نام و یاد خدا، خود را در امنیت کامل می‌بیند: «و هرگز خدا را فراموش نمی‌کنم. او همیشه نزد من است، هیچ چیز نمی‌تواند مرا بلغزاند. بنابراین سپاسگزار و شادمان هستم و احساس امنیت کامل می‌کنم» (مزامیر، باب ۹، بند ۸-۱۶).

۲-۲-۲. نیکوکاری

در عهد عتیق، نیکی کردن به دیگران یکی از عوامل شادی و نشاط در زندگی دانسته شده است، آن‌جا که خداوند برای نیکوکاران تاریکی‌ها را به روشنایی و نور تبدیل خواهد کرد و آن‌ها را به عزت و سربلندی خواهد رساند: «...تاریکی برای آنان که نیکوکار، بخشنده و عادل هستند روشنایی خواهد گردید. کسی که دلسوز و قرض دهنده باشد و کارهای خود را از روی عدل و انصاف انجام دهد، سعادت‌مند خواهد شد. شخص نیکو هرگز ناکام نخواهد شد و نام او همیشه به نیکی یاد خواهد شد ... او با سخاوت به نیازمندان می‌بخشد و خیرخواهی او تا ابد باقی می‌ماند و همیشه سربلند و باعزت خواهد بود» (مزامیر، باب ۱۱۲، بند ۴-۹).

نمونه دیگر پاسخ «هیلل»^۱ به سؤال فردی است که از او درخواست راهنمایی و ارشاد جهت نیل به سعادت حقیقی می‌کند. وی در پاسخ می‌گوید: «تمام یهودیت در این عبارت خلاصه شده که نسبت به دیگران مکن آن چه را به خود نمی‌کنی». البته وی در واقع یک معیار حداقلی برای نیل به سعادت وضع نموده است (منسکی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۳).

۲-۲-۳. عدالت و انصاف

یکی دیگر از اموری که می‌تواند در انسان شادی آفرین باشد، رعایت عدل و انصاف است که در عهد عتیق نیز مورد توجه قرار گرفته است. خداوند عادل اول است و لذا از روی انصاف داوری خواهد کرد و به کسی ظلم نمی‌شود: «او مردم را از روی انصاف داوری خواهد کرد. آسمان و زمین شادی کنند. کشتزارها و هرچه در آن‌هاست شادمان گردند و درختان جنگل از خوشی فریاد می‌زنند وقتی خدا برای داوری می‌آید. خداوند مردم را با عدالت و انصاف داوری خواهد نمود» (مزامیر، باب ۹۶، بند ۱۰-۱۳).

در کتب عهد عتیق عدالت و انصاف نزد خداوند بیشتر از تقدیم قربانی در حضور او دارای ارزش است: «عدالت و انصاف بیشتر از تقدیم قربانی‌ها خداوند را خشنود می‌سازد» (امثال، باب ۲۱، بند ۳۹). البته اجرای عدالت برای همه لذت بخش نیست: «اجرای عدالت درستکاران را شاد می‌سازد و شریران را پریشان» (امثال، باب ۲۱، بند ۱۵)

ولیکن رعایت آن به عنوان یک اصل اساسی در میان همه ادیان آسمانی پذیرفته شده است.

۲-۲-۴. طبیعت

یکی دیگر از مظاهر شادی و نشاط در انسان، وجود طبیعت زیبای خداوند است. دریای آبی، جنگل سبز، کوه‌های بلند، دشت‌های وسیع، کشتزارهای زیبا، نوای آرام‌بخش آبشار، پرندگان خوش‌آواز، نسیم لطیف و روح‌نواز، گل‌های رنگارنگ، آسمان مهتابی و پر ستاره، خورشید طلایی و هرچه که در طبیعت خودنمایی می‌کند، همه را خداوند برای سلامتی جسم انسان و شادمانی روح او آفریده است: «از آسمان‌ها بر کوه‌ها باران می‌بارانی و زمین را از نعمات پر می‌سازی. برای مصرف حیوانات علف را می‌رویانی و برای انسان‌ها نباتات را آفریدی تا غذای خود را از آن‌ها به دست آورند. تا برای شادی دل خود شراب و برای شادابی چهره‌شان روغن و جهت تقویت جسمانی خود نان تهیه کنند» (مزامیر، باب ۱۰۴، بند ۱۳-۱۵).

نیز در بخش دیگری آمده است: «باران را بر زمین می‌فرستی و از آن مراقبت می‌کنی تا آن را سیراب و حاصل‌خیز کند. رودخانه‌ها را پرآب می‌سازی و زمین را با غلات بارور می‌گردانی. باران فراوان بر زمین می‌فرستی و با باران‌های سیل‌آسا زمین را نرم و هموار می‌کنی تا نباتات از زمین برویند. لطف تو حاصل فراوان به بار آورده و سراسر زمین از نعمات تو لبریز است. چمنزارها پر از گله و دامنه کوه‌ها سرشار از شادی است... همه از خوشی فریاد می‌زنند و با هم سرود می‌خوانند» (مزامیر، باب ۶۵، بند ۸-۱۳).

۲-۲-۵. اعیاد مذهبی

منظور از اعیاد در این بحث، جشن‌های شادمانی است که یهود آن را به مناسبت‌های مختلف برپا می‌دارد. یهود دارای جشن‌ها و اعیاد گوناگونی می‌باشد مانند: عید فطیر (خروج، باب ۱۲، بند ۱۲-۲۰؛ باب ۱، بند ۳-۱۰؛ لاویان، باب ۲۳، بند ۶)، عید فصح (تثنیه، باب ۱۶، بند ۸-۱؛ خروج: باب ۱۲، بند ۲۱-۲۸؛ لاویان، باب ۲۳، بند ۵-۸)، عید سبت

(خروج، باب ۲۰، بند ۸-۱۱؛ باب ۱، بند ۲۳؛ باب ۳۱، بند ۱۲-۱۷؛ باب ۳۵، بند ۱-۳؛ لاویان، باب ۲۳، بند ۱-۴)، عید خیمه‌ها (لاویان، باب ۲۳، بند ۳۳-۳۴؛ اعداد، باب ۲۹، بند ۱۶؛ تثیبه، باب ۱۶، بند ۱۳-۱۶) و عید سال نو (لاویان، باب ۲۳، بند ۲۳-۲۵؛ اعداد، باب ۲۹، بند ۲-۶).

به عنوان مثال در کتاب خروج در این باره آمده است: «شما باید آن روز را همیشه به خاطر داشته باشید و آن را به عنوان عید خداوند، همیشه جشن بگیرید تا کاری را که من برای شما کرده‌ام به یاد داشته باشید. این عید، یک رسم همیشگی باشد و نسل بعد از نسل آن را نگاه دارید» (خروج، باب ۱۲، بند ۸۴).

«عید خیمه‌ها»^۲ نیز روز پانزدهم ماه هفتم (تیشری) آغاز می‌شود که خداوند به موسی(ع) فرمود: «روز پانزدهم ماه هفتم، عید خیمه‌ها شروع می‌شود و هفت روز در حضور من جشن گرفته شود» (لاویان، باب ۲۳، بند ۳۳-۳۴).

یکی از ویژگی‌های مهم اعیاد، بر پاداشتن جشن و شادی است: «برای خدایی که قوت ماست، سرود شادی بسرایید و برای خدای یعقوب، آواز شادمانی سر دهید.» «دف» را بیاورید و با «بربط» و «ریاب» سرود بخوانید. شیپور را در روزهای عید به صدا درآورید و در ماه نو و زمانی که ماه کامل است. زیرا این رسمی است برای اسرائیل و دستوری است از جانب خدای یعقوب» (مزامیر، باب ۸۱، بند ۱-۵).

البته تنها عیدی که در یهودیت برپا می‌شود و یک «شادی روحانی» است و هیچ گونه جشن و شادمانی دربر ندارد، «عید کیپور» است. هر یهودی باید یک روزه بیست و چهار ساعته بگیرد و هیچ نخورد و ننوشد تا باعث آمرزش گناهان در خود شود. در این روزه‌داری، نباید خودشویی کنند، روغن بر تن بمالند، کفش چرمی بپوشند و با همسر خویش زیر یک سقف به سر برند (اشرفی، ۱۳۸۵، صص ۱۶۶-۱۶۷).

۲-۲-۶. هدایا

در کتاب «استر» از مجموعه کتاب مقدس آمده است که استر یهودی، ملکه ایران - همسر خشایار شاه - را از توطئه‌ای که به منظور نابودی تمام یهودیان ایران چیده شده بود باخبر کرده و با از جان گذشتگی، باعث نجات آنان شد. لذا بدین مناسبت روز

نجات یهودیان را روز جشن اعلام نموده و دستور داده شد که این روز را جشن گرفته و به یکدیگر هدیه دهند: «... این‌ها روزهایی است که یهودیان از دست دشمنان خود رهایی یافتند و در این ماه بود که غم و غصه آنان به خوشی، و سوگواری آن‌ها به جشن تبدیل شد. پس آن‌ها باید این روز را جشن بگیرند و به یکدیگر و به فقرا هدیه بدهند» (استر، باب ۹، بند ۲۲).

۲-۳. عوامل شادی در عهد جدید

مهمترین عوامل ایجاد کننده شادی و نشاط در کتب عهد جدید نیز عبارت است از:

۲-۳-۱. ایمان، دعا و توکل

ایمان نیروی محرکه‌ای است که به دل قوت و اطمینان می‌بخشد و امیدواری را به زندگی انسان هدیه می‌کند و در نهایت باعث ایجاد شادمانی می‌گردد: «امیدتان مایه شادی شما باشد و در رنج و مصیبت صابر باشید و از دعا کردن خسته نشوید» (رومیان، باب ۱۲، بند ۱۲-۱۳) و «همیشه شادمان باشید و پیوسته دعا کنید و برای هرچه که پیش می‌آید، خدا را شکر کنید» (تسالونیکیان اول، باب ۵، بند ۱۶-۱۷).

آنچه از آموزه‌های کتب عهد جدید در این زمینه برداشت می‌شود، بیانگر آن است که انسان می‌بایست بیش از پیش رابطه خود را با خداوند و خالق هستی محکم کرده تا در پرتو آن به آرامش و شادی درونی دست یابد. مواردی از این آموزه‌ها به شرح ذیل است: «در اتحاد خود با خداوند شادمان باشید» (فیلیپیان، باب ۳، بند ۱)، «خداوند سرچشمه آرامش است» (تسالونیکیان اول، باب ۵، بند ۲۳)، «پیوسته در خداوند شاد باشید، باز می‌گویم شاد باشید» (فیلیپیان، باب ۴، بند ۴).

در حقیقت باید گفت که اعتقاد عموم مسیحیان بر این است که ایمان به خدا و دعا کردن وظیفه آنان بوده و به عنوان امتیازی جهت تقرّب به جهان برین و نیل به سعادت و آرامش و شادی حقیقی محسوب می‌شود (والز، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸) چرا که ایمان، هرگونه اضطراب و تشویش خاطر را از انسان دور کرده و محافظ انسان خواهد بود.

«نگران هیچ چیز نباشید بلکه همیشه در هر مورد با دعا و مناجات و سپاسگزاری، تقاضاهای خود را به پیشگاه خدا ابراز نمایید. آرامش الهی که بالاتر از فهم بشر است، دل‌ها و افکار شما را در عیسی مسیح حفظ خواهد کرد» (فیلیپیان، باب ۴، بند ۶). «خدا شما را به وسیله ایمانتان حفظ خواهد نمود. این امر باید شما را خوشحال کند، اگرچه برای زمان کوتاهی شاید لازم باشد گرفتار درد آزمایش‌های سخت شوید» (پطرس اول، باب ۱، بند ۵۷).

در این میان کاتسینگر - محقق و پژوهشگر مسیحی - معتقد است: «ایمان گوهر حقیقت، دروازه فضیلت و قرار و سکونی است که ما در زیبایی می‌یابیم. اگر نیایش، حرکت ما به سوی خداست، ایمان چیزی است که آن حرکت را میسر می‌کند» (کاتسینگر، ۱۳۸۸، ص ۲۵۲)

البته ایمان و دعا کردن به این معنی است که بپذیریم در امور مهم وابسته به خدا هستیم، لذا پیشرفت‌ها و خدماتی که میل داریم داشته باشیم را به او واگذار کنیم (انجیل مرقس چه می‌گوید، بی تا، ص ۹۸).

امروزه برای مسیحیانی که در غرب زندگی می‌کنند، نماز و نیایش راهی برای برقراری ارتباط با خداوند عنوان شده است، چرا که به آن‌ها احساس راحتی و امنیت بخشیده و منبع عمیق‌ترین و لذت بخش‌ترین تجربه‌های حیات دینی آن‌ها محسوب می‌شود (ویلسون، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸).

۲-۳-۲. شکیبایی و استقامت

با مطالعه در کتاب مقدس به دست می‌آید که یکی از توصیه‌های مهم به انسان‌ها جهت رسیدن به شادی و نشاط، از خودگذشتگی در مقابل هموعان خود است. کتاب مقدس عهد جدید یکی از عوامل خوشبختی واقعی را صبوری و شکیبایی در مقابل دیگران و استقامت در برابر رفتار ناپسند آنان می‌داند، تا آنجا که در «انجیل لوقا» به همگان توصیه شده است آزار و اذیت‌ها را به خاطر مسیح تحمل نمایند چرا که این شکیبایی و صبر، عاملی برای رسیدن به خوشبختی واقعی می‌باشد (انجیل لوقا چه می‌گوید، ۱۳۶۴، ص ۷۴).

«خوشحال باشید که اگر به خاطر من به شما اهانت می‌کنند و آزار می‌رسانند و به ناحق هرگونه افتراایی به شما می‌زنند، خوشحال باشید و بسیار شادی کنید، زیرا پاداش شما در آسمان، عظیم است چون همین طور به انبیاء قبل از شما آزار می‌رسانیدند» (متی، باب ۵، بند ۱۱).

۲-۳-۳. تولد فرزند

یکی از عواملی که باعث ایجاد شادی و نشاط در انسان می‌شود، تولد فرزندی از نسل او و مشاهده قدرت خداوند در خلق انسانی جدید است. تولد فرزند در زندگی هر انسانی به عنوان قوه محرکه محسوب می‌شود، چرا که نیروی مضاعفی در او ایجاد می‌کند و او را برای تلاش بیشتر در راستای سعادت و شادی فرزندان، تحریک می‌کند، چنان که حضرت زکریا (ع) نیز از بشارتی که توسط فرشتگان الهی به او درباره اعطاء فرزندی از جانب خداوند شد، شادمان گردید.

شواهد و قرائن دال بر شادی و نشاط حضرت زکریا (ع) به خاطر فرزنددار شدن هم در قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) و هم در کتب عهد جدید موجود است. در انجیل لوقا در این زمینه آمده است: «و چون نوبت خدمت روزانه در معبد بزرگ به گروه زکریا رسید، او به عنوان کاهن مشغول انجام وظایف خود شد. طبق رسوم کاهنان قرعه به نام او درآمد که به داخل جایگاه مقدس در معبد بزرگ وارد شود و بخور بسوزاند. در وقت سوزاندن بخور، تمام جماعت در بیرون ایستاده و دست به دعا برداشته بودند. در آن جا فرشته خداوند بر او ظاهر شد و در سمت راست آتشدان بخور ایستاد. زکریا از دیدن این منظره تکانی خورد و ترسید، اما فرشته به او گفت: ای زکریا! نترس. دعاهای تو مستجاب شد و همسرت الیزابت برای تو پسری خواهد زاید و او را یحیی خواهی نامید که شادی و سرور نصیب تو خواهد نمود و بسیاری نیز از تولد او شادمان خواهند گشت» (لوقا، باب ۱، بند ۸-۱۵).

۲-۳-۴. هدایا

در نامه «پولس» به «فیلیپیان»، عطایا و بخشش‌های مالی مسیحیان به او، به عنوان هدایایی خوشبو که مقبول و پسندیده خداوند است، مطرح شده که موجبات شادی و نشاط مردم را فراهم آورده است: «هدیه‌ای را که توسط اپفرورتیس فرستادید، احتیاج مرا رفع کرده است. عطایای شما هدیه‌ای خوشبو و قربانی مقبول و پسندیده خداوند است» (فیلیپیان، باب ۴، بند ۱۸).

پس از بررسی عوامل شادی در قرآن کریم، عهد قدیم و عهد جدید چنین برداشت می‌شود که هر یک از ادیان ابراهیمی عواملی را جهت داشتن زندگی شاد ارائه نموده‌اند که بعضی از آن‌ها با یکدیگر مشترک می‌باشند. از جمله عواملی که در این ادیان جزء نقاط مشترک بوده و صریحاً به آن اشاره شده است، ایمان به خدا و توکل بر اوست که می‌تواند آرامش و شادمانی را برای انسان به ارمغان آورد.

در این میان برخی موارد نیز وجود دارد که تنها در قرآن کریم و عهد جدید بدان اشاره شده مانند رضایت و تحمل در مقابل سختی‌ها و ناملایمات در حالی که در کتب عهد قدیم در این باره مطلبی ذکر نشده است.

همچنین برخی موارد نیز وجود دارد که تنها در قرآن و عهد قدیم آمده است و در عهد جدید مطلبی در این رابطه بیان نشده است مانند تولد فرزند و تفریحات سالم. در این میان برخی موارد نیز تنها اختصاص به یکی از ادیان آسمانی دارد. به عنوان مثال قرآن کریم داشتن همسران نیکو، کسب حلال و وسعت رزق و روزی را از جمله عوامل ایجاد شادی و نشاط برای انسان دانسته است. آنچه گفته شد در جدول ذیل نشان داده شده است:

جدول ۱. مقایسه تطبیقی عوامل شادی در قرآن و عهدین

قرآن کریم	عهد قدیم	عهد جدید
۱- ایمان، دعا و توکل	۱- ایمان به خدا و توکل بر او	۱- ایمان، دعا و توکل
۲- نیکی به دیگران	۲- نیکوکاری	۲- شکیبایی و استقامت
۳- رزق و روزی	۳- عدالت و انصاف	۳- تولد فرزند
۴- استقامت و صبر	۴- طبیعت	۴- هدایا
۵- تفریحات سالم	۵- اعیاد مذهبی	
۶- فرزند و همسر	۶- هدایا	
۷- هدیه و احسان		

۳. انواع شادی در ادیان آسمانی

۳-۱. انواع شادی در قرآن کریم

تجزیه و تحلیل آیات قرآن کریم بیانگر آن است که دو نوع شادی در دین مبین اسلام مشهود است: شادی‌های پسندیده و شادی‌های ناپسند که در ادامه به تفصیل خواهد آمد.

۳-۱-۱. شادی‌های ممدوح و پسندیده

در قرآن کریم موارد متعددی به عنوان شادی‌های ممدوح و پسندیده مطرح شده است که به شرح زیر می‌باشند:

۳-۱-۱-۳. شادی از فضل و رحمت الهی

شادی و خوشحالی از داشتن دارایی و ثروت‌های مادی، بزرگی پُست و مقام، وسعت قوم و قبیله و بسیاری از موهبات مادی دیگر جز اینکه در نهایت به غرور کاذب منتهی شود، نمی‌تواند انسان را برای همیشه شاد و خوشحال نگه دارد، لذا برای جاودانه کردن شادی و نشاط می‌بایست به سراغ مواردی دیگر رفت.

خداوند متعال در سوره یونس ابتدا به بیان برخی از ویژگی‌های قرآن کریم مانند؛ وسیله هدایت بودن، رحمت بودن، موعظه بودن و شفای سینه‌ها اشاره می‌کند و در

ادامه می‌فرماید که مؤمنان باید به چیزی شادمان باشند که این چهار ویژگی را دارا باشد که آن نیز فضل و رحمت خداوند است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ. قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۷-۵۸)؛ ای مردم، اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان. بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که از آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است.

۳-۱-۱-۲. شادی بواسطه نزول قرآن

نزول قرآن نه تنها برای مسلمانان مؤمن مایه شادی و نشاط است، بلکه مؤمنین اهل کتاب نیز که به کتب آسمانی خویش ایمان داشتند، از نزول قرآن و ارسال پیامبر خاتم(ص) خوشحال و شاد بودند، چرا که قرآن را تتمه کتب آسمانی خویش می‌دیدند. این مطلب صراحتاً در قرآن کریم اشاره شده است: «وَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ...» (رعد: ۳۶)؛ و آن‌ها که کتاب آسمانی در اختیارشان قرار داده‌ایم، از آنچه بر تو نازل شده خوشحالند.

این افراد پس از نزول قرآن مجید بدان ایمان آوردند لکن در این میان افرادی نیز وجود داشتند که بر اثر عناد و تکبری که داشتند، کفر ورزیده و همچنان راه پدران خویش را ادامه دادند.

۳-۱-۱-۳. شادی مؤمنان به نصر الهی

از آیات قرآن کریم این‌گونه برداشت می‌شود که مؤمنان مورد تأیید و نصرت خداوند بوده و در مواقع سختی و گرفتاری امداد می‌شوند. این امداد الهی قطعاً موجبات خشنودی و شادی آنان را فراهم می‌آورد چنانکه در قرآن مجید آمده است: «يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (روم: ۴-۵)؛ در آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد به سبب یاری پروردگار. خدا هرکس را بخواهد نصرت می‌دهد و او حکیم و عزیز است.

این آیه نشان می‌دهد از جمله وظایف مسلمانان آن است که هر جا بشنوند مسلمانان، موحدان و خداشناسان، پیروز شده‌اند، خوشحال شوند. اینکه قرآن می‌فرماید همین که موحدی بر غیر موحد پیروز شد، مؤمنان خوشحال می‌شوند، معلوم می‌شود قرآن ما را به داشتن نشاط در پیروزی توحید فرا می‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸).

۳-۱-۱-۴. شادی بهشتیان از نعمت‌های بهشتی

قرآن درباره سرور و نشاط مؤمنان در بهشت می‌فرماید: «فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُورًا» (انسان: ۱۱)؛ خداوند آن‌ها را از شر آن روز ننگه می‌دارد و از آن‌ها استقبال می‌کند، در حالیکه شادمان و مسرورند. زیرا اینان کسانی هستند که در مدار اصلی آفرینش، در همان مداری که خداوند برای انسان، سرمایه‌ها و نیروهای او تعیین کرده، حرکت می‌کنند و تلاش و کوشش آن‌ها همواره برای خدا و بسوی خداوند است. این نوع شادمانی با عنوان «شادی در قیامت» نیز خوانده شده است (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴؛ سماک امانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸).

۳-۱-۲. شادی‌های ناپسند و مذموم

برخی شادی‌هایی که با هدف تکاملی و غایت خلقت انسان سنخیت ندارد و یا با گناه، لهو و لعب، اتلاف وقت، هیجان کاذب، اذیت و آزار دیگران توأم است از نظر شرع مقدس مذموم و ناپسند می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه فرموده‌اند: «شادی سه مرز دارد: وفاداری، رعایت حقوق مردم و هشیاری در سخن» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۵). بنابراین شادی باید بر اساس ارزش‌ها و اهداف مقدس باشد.

در ادامه به مواردی از شادی که از نظر قرآن کریم مذموم و ناپسند است، در ذیل اشاره می‌شود:

۳-۱-۲-۱. شادی مغرورانه

از میان آیاتی که به برخی شادی‌های ناپسند اشاره می‌کند، بیشترین حجم به شادی‌هایی تعلق می‌گیرد که از سر غرور و خودخواهی به وجود آمده است. از جمله این آیات

می‌توان به ماجرای قارون اشاره کرد. قارون مظهر ثروت در زمان حضرت موسی (ع) و از بستگان نزدیک او بود که معلومات و اطلاعات قابل ملاحظه‌ای در خصوص کتاب مقدس تورات نیز داشت ولیکن غرور ناشی از ثروت او را به آغوش کفر کشید و به قعر زمین فرستاد.

قرآن کریم این داستان را این‌گونه تعریف می‌کند: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» (قصص: ۷۶)؛ قارون از قوم موسی بود، اما بر آنها ستم کرد. ما آنقدر از گنج‌های مختلف به او داده بودیم که حمل صندوق‌های آن برای یک گروه زورمند مشکل بود. به خاطر بیاور هنگامی را که قومش به او گفتند: این همه شادی مغرورانه مکن که خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد.

برداشت کلی از این آیه آن است که خداوند شادی‌های برگرفته از غرور، تکبر و خودخواهی انسان را نمی‌پسندد و چنین انسان‌هایی نیز مورد لطف و رضایت خداوند نیستند. بعضی از انسان‌ها چنان کم‌ظرفیت هستند که اگر کوچک‌ترین نعمتی به آنها برسد، چنان گرفتار خودباختگی و غرور و تکبر می‌شوند که سر از پا نمی‌شناسند و چنان شادی و سرور بی‌حساب و فخرفروشی و غرور بی‌جا آنها را فرا می‌گیرد که حتی از شکر نعمت‌های پروردگار نیز غافل می‌شوند: «وَلَكِنْ أَدْقْنَا نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسْتَهَّءٍ لِيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ» (هود: ۱۰)؛ و اگر نعمت‌هایی پس از شدت و ناراحتی به او برسانیم می‌گوید مشکلات از من برطرف شد و دیگر باز نخواهد گشت و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می‌شود.

همچنین در سوره شوری نیز این حقیقت بازگو شده است که انسان‌های بی‌ایمان کم‌ظرفیت در مقابل الطاف الهی، گرفتار غرور و غفلت می‌شوند و ثروتشان آنها را از یاد خداوند غافل می‌کند: «...وَإِنَّا إِذَا أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا...» (شوری: ۴۸)؛ و هنگامی که رحمتی از سوی خود به انسان می‌چشانیم مغرور و غافل می‌شود.

۳-۱-۲-۲. شادی تمسخرآمیز

یکی دیگر از مواردی که در قرآن کریم به عنوان شادی‌های مذموم و ناپسند معرفی شده، داستان دعوت موسی (ع) به سوی خداپرستی و نوع پاسخ‌های تمسخرآمیز فرعون در مقابل این دعوت است. خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْحَكُونَ» (زخرف: ۴۶-۴۷)؛ ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و درباریان او فرستادیم (به آن‌ها) گفت: من فرستاده پروردگار عالمیانم. ولی هنگامی که او آیات را برای آن‌ها آورد از آن می‌خندیدند.

در طول تاریخ نخستین برخورد همه طاغوت‌ها و جاهلان مستکبر در برابر رهبران راستین و انبیاء الهی، جدی نگرفتن دعوت آن‌ها و با سخریه و مضحکه پاسخ دادن به آن‌ها بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۷۹).

البته این افراد تمسخر و استهزاء خود را یک نوع شوخی معرفی می‌کنند، در حالیکه چنین شوخی‌هایی از نگاه قرآن مذموم و منفی است: «وَلَكِنَّ سَأَلْتَهُمْ لِيَقُولَنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ» (توبه: ۶۵)؛ و اگر از آن‌ها بپرسی (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید) می‌گویند ما بازی و شوخی می‌کردیم، بگو آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کنید.

۳-۱-۲-۳. شادی توأم با هوس‌رانی و خوش‌گذرانی

قرآن کریم دنیا را به عنوان «بازیچه» معرفی می‌کند: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ...» (انعام: ۳۲)؛ و زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست. از جمله نشانه‌های بازیچه بودن دنیا این است که اگر کسی به آن مبتلا شود، به آن عادت می‌کند و زمامش به دست دنیا می‌افتد، در نتیجه تا او را فرسوده و خسته نکند و از پای در نیاورد، رهاش نمی‌کند

واژه «لَعِبٌ» در اصل از «لَعَابٌ» یعنی آب دهان است و علت تسمیه آن بدین جهت است که «لَعِبٌ» به غیر جهت حق می‌رود، مثل آب دهان بچه (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶،

ص ۱۹۱). کار لَعِب، یعنی کاری که هیچ نفعی بر آن نباشد و لهُو نیز حسرت و ندامت در آخرت را دربر دارد (شرف الدین، ۱۴۲۰ق، ص ۴۲۵).

زندگی دنیایی نیز در صورتی که راهی برای درک سعادت آخرت نباشد، چیزی جز باطل و غرور نیست. در آیه فوق منظور از حیات دنیا، اعمال دنیاست زیرا خود دنیا بازیچه نیست، کارهایی هم که موجب خشنودی خداوند هستند، بازیچه نیست. بلکه «لعب» کاری است که نفعی ندارد و «لهو» کاری است که جنبه جدی به خود نگیرد و چنین کارهایی غیر از معصیت، چیز دیگری نیستند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۶۵).

به همین دلیل خداوند در سوره نجم به آن دسته از انسان‌هایی که پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر برده و کار دنیا و دین را به بازیچه می‌گیرند و در افراط و تفریط به سر می‌برند، می‌فرماید: «و تَضْحَكُونَ وَ لَّا تَبْكُونَ وَ اَنْتُمْ سَامِدُونَ» (نجم: ۶۰-۶۱)؛ و می‌خندید و نمی‌گریید و شما در غفلت هستید.

۳-۱-۲-۴. شادی به واسطه فرار از جنگ

خداوند متعال بارها در قرآن کریم فرموده است که ایمان انسان‌ها در زمان‌های مختلف مورد امتحان قرار می‌گیرد تا بر خودشان ثابت شود که چگونه هستند: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲)؛ آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟

گاهی در طول زندگی اتفاقاتی برای انسان می‌افتد که باعث می‌شود آدمی چهره واقعی خود را نشان دهد. از جمله این اتفاقات و حوادث، حضور در جبهه‌های جنگ و جهاد فی سبیل الله است. در این میان انسان‌هایی که قبل از آن از دین، ایمان، اخلاق، اخلاص، فداکاری و شجاعت صحبت می‌کردند، به محض اینکه حکم جهاد صادر شود، تلاش می‌کنند تا حضور خود را در پشت جبهه توجیه کرده و بدین وسیله از حضور در میدان جنگ تفره بروند. این افراد ممکن است چند صباحی از اینکه توانسته‌اند خود را از مرگ رهایی داده و به گونه‌ای دیگران را بفرینند، خوشحال باشند، لکن از این مطلب غافل هستند که خود را فریب داده‌اند، نه دیگران را

خداوند متعال در قرآن کریم درباره این گونه افراد می‌فرماید: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرَهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ. فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (توبه: ۸۱-۸۲)؛ برجای ماندگان، از به [خانه] نشستن خود پس از رسول خدا شادمان شدند و از این که با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند، کراهت داشتند و گفتند: «در این گرما بیرون نروید». بگو اگر دریابند آتش جهنم سوزان‌تر است از این، پس کم بخندند و به جزای آنچه به دست آوردند بسیار بگریند.

۳-۱-۲-۵. شادی احزاب و گروه‌ها

یکی از نشانه‌های شرک و کفر، پراکندگی و تفرقه است، چرا که معبودهای مختلف، منشأ روش‌های متفاوت و سرچشمه جدایی‌ها و پراکندگی‌ها هستند. به خصوص این که شرک همواره توأم با هوای نفس و تعصب و کبر و خودخواهی و خودپسندی و مولود آن‌ها است، لذا «اتحاد و وحدت جز در سایه خداپرستی و عقل و تواضع و ایثار امکان‌پذیر نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۲۱).

قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم: ۳۲)؛ و از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند، هر حزبی به آن چه پیش آن‌هاست دل‌خوش شدند.

۳-۱-۲-۶. شادی به زشتی‌ها

دسته‌ای از انسان‌ها در مقابل اعمال زشتی که انجام می‌دهند نه تنها شرم‌منده نیستند، بلکه از اعمال زشت خود خوشحال بوده و به آن نیز مباحثات می‌کنند و در ضمن دوست دارند که مورد تمجید و تشویق دیگران نیز قرار گیرند. قرآن کریم درباره چنین افرادی می‌گوید: «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران: ۱۸۸)؛ البته گمان مبر کسانی که به آن چه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند به آن چه نکرده‌اند، مورد ستایش

قرار گیرند، قطعاً گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است [که] عذابی دردناک خواهد داشت.

۳-۲. انواع شادی در عهد عتیق

با مطالعه در عهد عتیق می‌توان مواردی را - هر چند اندک - استخراج نمود که به گونه‌ای بیانگر شادی‌هایی هستند که انسان به آن‌ها تشویق شده و یا از آن‌ها نهی شده است. شادی‌های پسندیده و ناپسند در عهد عتیق به شرح ذیل است:

۳-۲-۱. شادی‌های پسندیده و ممدوح

۳-۲-۱-۱. شادی در اعیاد مذهبی

یکی از عوامل شادی در عهد عتیق، انجام مراسمی همچون اعیاد مذهبی است که اگرچه این اعیاد با خواندن دعاها و اذکار خاصی همراه است، اما در آیات عهد عتیق مشاهده می‌شود که این اعیاد همراه با سرودها و آوازهایی بوده و از طرفی دیگر، آلات موسیقی نیز برای خواندن آن‌ها نواخته می‌شده است. از جمله در مزامیر این مسئله کاملاً مشهود است که حضرت داوود(ع) برای سپاس و ستایش خداوند فرمان می‌دهد که مردم، آلات موسیقی آورده و با آن‌ها سرود بخوانند و آن را نیز دستوری از جانب خداوند می‌داند: «برای خدایی که قوت ماست، سرود شادی بسرایید و برای خدای یعقوب آواز شادمانی، سردهید. دف را بیاورید و با بربط و رباب سرود بخوانید. شیپور را در روزهای عید به صدا درآورید» (مزامیر، باب ۸۱، بند ۳).

همچنین خطاب به مؤمنین درباره ستایش خداوند همراه با شادی می‌فرماید: «ای مؤمنین، خداوند را به خاطر آن چه انجام داده است با شادی ستایش کنید زیرا او شایسته ستایش است. با چنگ و عود برای او بنوازید و سرود بخوانید. برای او سرودی تازه بسرایید، خوب بنوازید و با صدای بلند بخوانید» (مزامیر، باب ۳۳، بند ۴).

در بخش دیگری از کتاب مزامیر این ستایش با حرکات موزون نیز همراه شده است: «ای بنی اسرائیل! به خاطر آفریدگار خود، شاد باشید. ای ساکنان صهیون به خاطر پادشاه خود شادمان باشید. با رقص نام او را ستایش کنید و با نوای «عود و بربط» او را

بپرستید، زیرا خداوند از قوم خود خوشنود است و فروتنان را پیروز و سرافراز می‌سازد» (مزامیر، باب ۱۴۹، بند ۴).

البته در انجام مراسمات خاص همچون انتقال «صندوق پیمان» به اورشلیم نیز از آلات موسیقی استفاده می‌شود که نشانه شادی مضاعف یهودیان است: «داود و همه لایوانی که صندوق پیمان را حمل می‌کردند سراینندگان و کنیا، رهبر سراینندگان، همه رواق‌های کتانی لطیفی پوشیده بودند و داود جامه مخصوص کاهنان بر تن داشت. پس همه اسرائیلی‌ها با فریاد شادی و صدای «بوق و شیپور و سنج و چنگ و بربط» همراه صندوق پیمان خداوند به اورشلیم آمدند» (اول تواریخ، باب ۱۵، بند ۲۸).

در مراسم پادشاهی سلیمان نیز ابراز شادی همراه با آلات موسیقی بوده است: «در آن جا صادوق (کاهن) یک ظرف روغن از خیمه مقدس خداوند برداشت و با آن سر سلیمان را مسح کرد. بعد «شیپور» نواختند و همه گفتند: «زنده باد سلیمان پادشاه!» سپس همه با شادمانی و صدای فلوت به دنبال او بازگشتند به طوری که زمین زیر پایشان می‌لرزید» (اول پادشاهان، باب ۱، ص ۳۹).

همینطور شادمانی در اعیاد نیز تأیید شده است: «هفت هفته بعد از آغاز فصل درو، عید نوپر محصولات را برگزار کنید ... همه با فرزندان، خدمتکاران، لایوان، بیگانگان، یتیمان و بیوه‌زنانی که در شهرهای شما زندگی می‌کنند، در حضور خداوند شادی کنید. «عید خیمه‌ها» را بعد از آن که خرمن خود را کوبیدید و آب انگورها را گرفتید برای هفت روز برگزار کنید ... خدایان را با برگزاری این جشن به مدت هفت روز در مکانی که خداوند برای پرستش خود برگزیده، محترم شمارید. شادمان باشید زیرا خداوند محصولات و کار شما را برکت داده است» (تثنیه، باب ۱۶، بند ۱۵-۱۳).

۳-۲-۱. شادی از اثبات بی‌گناهی

در مزامیر آمده است که داود پیامبر جهت اثبات بی‌گناهی خود، از کسانی که طرفدار او هستند می‌خواهد که فریاد شادی برآورند: «کسانی که خواهان بی‌گناهی من هستند فریاد شادی برآورند و پیوسته بگویند خداوند بزرگ است» (مزامیر، باب ۳۵، بند ۲۷). وی در ادامه، شادی مظلومان را از این پیروزی تأیید می‌کند و این عمل را مورد تأیید

خداوند می‌داند: «وقتی مظلومان، این را ببینند خوشحال خواهند شد و آنانی که خدا را پرستش می‌کنند، تشویق خواهند شد» (مزامیر، باب ۶۹، بند ۳۲).

۲-۲-۳. شادی‌های ناپسند و مذموم

از مطالعه عهد عتیق بر می‌آید که تمام شادمانی‌های ممکن نمی‌تواند ممدوح باشد. گاهی انسان به واسطه کارهایی که انجام می‌دهد ممکن است احساس شادی و نشاط کند، اما همیشه این احساسات مثبت و درست نیستند. اگرچه شاید نتوان در عهد عتیق آیاتی یافت که به صراحت بیانگر ناپسند بودن بعضی از شادمانی‌ها باشد اما از محتوای آن‌ها و سیاق آیات می‌توان مذموم بودن بعضی از شادی‌ها را نتیجه گرفت که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۳-۳. شادی از مصیبت دشمنان

در کتاب ایوب پیامبر آمده است که ایشان از مصائب و سختی‌هایی که در زندگی برایش پیش آمده بود، اظهار شکوه و شکایت می‌کند و از جمله مواردی که وی به واسطه آن، خود را مستحق این همه رنج و مرارت نمی‌داند، شاد نشدن او از مصائبی است که بر سر دشمنان او آمده است: «هرگز از مصیبت دشمنان شاد نشده‌ام و از بلایی که بر سرشان آمده است، خوشحال نبوده‌ام...» (ایوب، باب ۳۱، بند ۲۹).
از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت که عکس این مورد نیز صادق است و شادی در مصیبت دیگران حتی دشمنان، امری پسندیده نیست.

۲-۲-۳-۳. شادی از تمسخر دیگران

از دیگر مواردی که می‌تواند در گروه شادی‌های ناپسند قرار گیرد، تمسخر دیگران است. چنان که داود پیامبر در دعاهایش از خداوند می‌خواهد که نگذارد او مورد تمسخر دیگران قرار گیرد: «نگذار آن‌هایی که بی‌جهت با من دشمنی می‌کنند، با خوشحالی مرا مسخره کنند...» (مزامیر، باب ۱۹، بند ۳۵).

حضرت سلیمان(ع) نیز معتقد است کسانی که دیگران را مسخره کرده و از بدبختی و غم دیگران شادمان می‌شوند، مجازات خواهند شد: «مسخره کردن مردم فقیر

به معنی مسخره کردن خدایی است که آن‌ها را آفریده است. کسانی که از غم و بدبختی دیگران خوشحال می‌شوند، بی‌سزا نخواهند ماند» (امثال، باب ۱۷، بند ۵).

۳-۲-۲-۳. شادی از ناکامی دیگران

خوشحالی از ناکامی دیگران و عدم پیشرفت آنان در زندگی از جمله شادی‌های مذموم محسوب می‌شود چرا که حضرت داود درباره افرادی که از ناکامی او خوشحال هستند، از خداوند می‌خواهد که آن‌ها را شرمنده و خجل سازد: «(خداوندا) مگذار دشمنانم به خاطر من شادی کنند. مگذار که آن‌ها در دل خود بگویند: ما او را شکست دادیم. آن‌هایی که از ناکامی من خوشحال می‌شوند، شرمنده و خجل گردند و کسانی که خود را از من برتر می‌دانند و فخر می‌کنند، سرافکنده و رسوا شوند» (مزامیر، باب ۳۵، بند ۲۵-۲۶).

میکای نبی نیز خطاب به چنین افرادی می‌گوید: «ای دشمنان! بر روزگار بد ما شادی نکنید زیرا اگرچه بیفتیم دوباره برمی‌خیزیم و اگر در تاریکی باشیم، خداوند نور و روشنایی ما خواهد بود...» (میکا، باب ۷، بند ۸).

۳-۲-۲-۴. شادی از گناه و شرارت

از جمله مواردی که در عهد عتیق در گروه شادی‌های مذموم قرار می‌گیرد، شادی‌هایی می‌باشد که انسان گناهکار در سایه اعمال سوء خود به آن دست می‌یابد، چرا که شاید احساس می‌کند خداوند به گناه آنان پی نبرده و آن‌ها را محکوم نمی‌کند: «گناه در دل انسان‌های شریر عمیقاً لانه کرده است. آن‌ها از خدا نمی‌ترسند زیرا آن‌ها دل خود را خوش می‌کنند و فکر می‌کنند که خدا به گناه آن‌ها پی نمی‌برد و آن را محکوم نمی‌کند» (مزامیر، باب ۳۶، بند ۲).

۳-۳. انواع شادی در عهد جدید

پس از بررسی عهد جدید درباره انواع شادی، این نتیجه حاصل می‌آید که همه شادمانی‌های مطرح شده در این کتاب، پسندیده و ممدوح نیستند. به عنوان مثال اگر شادمانی‌های زندگی برای غیر خدا باشد و یا صرفاً در جهت ارضای هوای نفسانی

صورت پذیرد، پسندیده نیست، بلکه زندگی در راستای حقیقت، مساوی با شادی است. اگر انسان گناه نکند و یا پس از آن توبه کند، باید شادمان باشد. اینک به کتاب مقدس رجوع کرده و مواردی از شادی‌های پسندیده و ناپسند آن را ذکر می‌کنیم.

۳-۳-۱. شادی‌های پسندیده و ممدوح

۳-۳-۱-۱. شادی در پیوند با خداوند و رسیدن به جاودانگی

در نامه پولس به فیلیپیان مشاهده می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بارها به استمرار ارتباط تنگاتنگ انسان‌ها با خداوند توصیه شده و شادمانی آن‌ها در پیوند مستحکم و عمیق با خداوند خلاصه شده است: «ای دوستان من، در اتحاد خود با خداوند شادمان باشید» (فیلیپیان، باب ۳، بند ۱) و «پیوسته در خداوند شاد باشید باز هم می‌گویم شاد باشید. مهربانی و ملایمت شما در رفتارتان با دیگران آشکار باشد. آمدن خدا نزدیک است! نگران هیچ چیز نباشید، بلکه همیشه در هر مورد با دعا و مناجات و سپاسگزاری، تقاضاهای خود را در پیشگاه خدا ابراز نمایید و آرامش الهی که بالاتر از فهم بشر است، دل‌ها و افکار شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد» (فیلیپیان، باب ۴، بند ۷).

همچنین در انجیل لوقا آمده است که عیسی مسیح، هفتاد نفر از شاگردانش را برای تبلیغ به شهرهای مختلفی فرستاد و دستورات لازم را درباره چگونگی برخورد با مردم به آن‌ها ابلاغ کرد. پس از مدتی شاگردانش نزد او برگشتند و خوشحال بودند از این‌که با نام عیسی، کارهای درست پایان پذیرفته و حتی دیوها نیز تسلیم آن‌ها می‌شدند اما عیسی به آن‌ها می‌فرماید که تسلیم شدن دیوها در مقابل آنان موجب شادمانی نیست، بلکه آن‌ها باید از ثبت نام خود در عالم بالا، شادمان باشند: «...آن هفتاد شاگرد خوش و خرم بازگشتند و عرض کردند: خداوند، با ذکر نام تو حتی دیوها تسلیم ما می‌شوند. عیسی پاسخ داد: من دیدم چطور شیطان مانند برق از آسمان سقوط کرد. من به شما قدرت داده‌ام که مارها و عقرب‌ها و تمام قوای دشمن را زیر پا لگدمال نمایید و هرگز هیچ چیز به شما صدمه‌ای نخواهد رسانید، ولی از این‌که ارواح تسلیم شما

می‌شوند شادی نکنید، بلکه شاد باشید که اسامی شما در عالم بالا، ثبت شده است» (لوقا، باب ۱۰، بند ۱۷-۲۰).

۳-۱-۳. شادی به خاطر قرار گرفتن در مسیر حقیقت

در نامه سوم یوحنا آن چه که باعث خوشحالی او شده و به غایوس - رهبر کلیسا - متذکر می‌شود، قرار گرفتن زندگی غایوس در راستای حق و حقیقت است: «دعا می‌کنم که روزگار، بر وفق مراد تو باشد و همان طور که در روح سالم هستی، از سلامتی بدن نیز برخوردار باشی. وقتی بعضی از ایمان‌داران به این جا آمدند و به من خبر دادند که تو چقدر به حقیقت الهی وفادار هستی - یعنی چگونه مطابق حقیقت رفتار می‌کنی - خیلی خوشحال شدم. هیچ خبری بیش از این مرا خوشحال نمی‌سازد که بشنوم فرزندان من بر طبق حقیقت رفتار می‌کنند» (سوم یوحنا، باب ۱، بند ۲-۴).

۳-۱-۳. شادمانی به خاطر جانفشانی در راه ایمان

یکی دیگر از موارد شادی‌هایی که در کتاب مقدس به چشم می‌خورد و می‌توان آن را در گروه شادی‌های ممدوح قرار داد، قربانی شدن برای خداوند در صورت لزوم است. پولس در نامه خود به فیلیپیان در ابتدا می‌خواهد که دست از چشم و هم‌چشمی برداشته و با هم توافق فکری داشته باشند و در زمانی که همه گرفتار گناه و معصیت هستند، آن‌ها خود را حفظ نموده و مانند ستارگان در جهان تاریک بدرخشند.

وی در ادامه به آن‌ها متذکر می‌شود که برای رسیدن به مقصود حاضر است خون خود را بر روی هدایای قربانی آن‌ها بریزد: «... تقاضا می‌کنم خوشی مرا به کمال رسانید و با هم توافق فکری، محبت دوجانبه و هدف مشترک داشته باشید. هیچ عملی را از روی هم‌چشمی و خودخواهی انجام ندهید، بلکه با فروتنی، دیگران را از خود بهتر بدانید» (فیلیپیان، باب ۲، بند ۵-۶).

«هر کاری را بدون شکایت و همه‌همه انجام دهید، تا در زمانی که همه منحرف و سرکش هستند. شما بدون تقصیر و گناه، فرزندان بی‌عیب خدا باشید و مانند ستارگان در جهان تاریک بدرخشید ... اگر چنین کنید من دلیلی خواهم داشت که در روز عظیم

مسیح به شما افتخار کنم، زیرا این نشان خواهد داد که کار و زحمت من بیهوده نبوده است و حتی اگر لازم باشد که خون من مانند شراب وقف شده، روی هدیه قربانی ایمان شما ریخته شود، در انجام این کار خوشحالم و بر شما شادباش می‌گویم. شما هم خوشحال باشید و به من شادباش بگویید» (فیلیپیان، باب ۲، بند ۱۴).

۳-۳-۱-۴. شادمانی توأیین

یکی دیگر از مواردی که مستلزم شاد بودن انسان‌ها است، بازگشت آن‌ها از گناه و توبه و انابه به درگاه خداوند بوده است. این عمل آنچنان در نزد خداوند شایسته تجلیل است که در پی توبه، گناه ایشان را کاملاً پاک می‌سازد: «خوشا به حال آنانی که خدا، خطاهایش را بخشیده و گناهانش را پوشیده است. خوشا به حال کسی که گناه او را به حساب نمی‌آورد» (رومیان، باب ۴، بند ۷-۸).

۳-۳-۱-۵. شاد بودن از شادی دیگران

طلب بخشش و برکت برای افرادی که موجبات رنجش انسان را فراهم می‌کنند، یکی از توصیه‌های کتاب مقدس است. تأکید بر این که خوشحالی دیگران موجبات شادمانی انسان را نیز در پی دارد: «محبت شما حقیقی و صمیمی باشد. از بدی بگریزید و به نیکی بچسبید ... با کوشش خستگی‌ناپذیر و با شوق و ذوق، خدا را خدمت کنید ... برکت خدا را برای آنانی که به شما جفا می‌رسانند، بخواهید. برای آنان طلب برکت کنید نه لعنت. با خوشحالی خوشحالی کنید ... مغلوب بدی نشوید، بلکه بدی را با خوبی مغلوب سازید» (رومیان، باب ۱۲، بند ۹-۲۱).

۳-۳-۲. شادی‌های ناپسند و مذموم

نکته قابل توجه در کتاب «عهد جدید» آن است که نشانه‌های واضح و روشنی از شادی‌های مذموم دیده نمی‌شود. این مطلب بیانگر آن است که آنچه در این کتاب بیان شده، همه مواردی از شادی‌های پسندیده می‌باشد و از شادی‌های ناپسند صحبتی به میان نیامده است.

قرآن خوشحالی انسان به امور جاودانه را ممدوح دانسته و انسان را از شاد بودن به دارایی و ثروت‌های مادی، پست و مقام و امثال آن باز داشته است. همچنین شادی مؤمنین اهل کتاب را مورد تأیید قرار داده و نیز وعده داده است که مؤمنان به نصرت الهی شاد خواهند شد و بر شادی و نشاط مؤمنان بهشتی پس از دریافت نامه عملشان اشاره کرده است.

در این میان، در عهد جدید نیز رسیدن به جاودانگی، به عنوان یکی از گزینه‌های ایجاد شادی با قرآن کریم مشترک است. در نهایت می‌توان گفت که عوام ایجاد شادی ممدوح در قرآن کریم و عهد جدید به امور غیر مادی باز می‌گردد.

در عین حال شادی مغرورانه و تمسخر آمیز نیز به عنوان نمونه شادی‌های مذموم مشترکاً در قرآن کریم و عهد قدیم مورد نکوهش قرار گرفته است. البته اگر شاد بودن از زشتی‌ها که در قرآن کریم نیز مذموم شمرده شده را با شادی از گناه و شرارت یکی بدانیم، در این مورد نیز بین قرآن و عهد قدیم نقطه اشتراک وجود دارد.

باید گفت که در قرآن کریم بیش از عهدین به شادی و نشاط و انواع آن توجه شده است که به عنوان یکی از امتیازات این کتاب مقدس به شمار می‌رود و ثابت می‌کند که قرآن کریم بیش از سایر کتب مقدس به تمام جزئیات زندگی انسان توجه نموده است. آنچه گفته شد نهایتاً در جدول ذیل نمایش داده شده است:

جدول ۲. مقایسه تطبیقی انواع شادی‌های ممدوح در قرآن و عهدین

عهد جدید	عهد قدیم	قرآن کریم
۱- شادی در پیوند با خدا و رسیدن به جاودانگی	۱- شادی در اعیاد مذهبی ۲- شادی از اثبات بی گناهی	۱- شادی از فضل و رحمت الهی
۲- شادی به خاطر قرار گرفتن در مسیر حقیقت		۲- شادی بواسطه نزول قرآن
۳- شادمانی به خاطر جانفشانی در راه ایمان		۳- شادی مؤمنان به نصرت الهی
۴- شادمانی توابین		۴- شادی بهشتیان از نعمت‌های بهشتی

جدول ۳. مقایسه تطبیقی انواع شادی‌های مذموم در قرآن و عهدین

قرآن کریم	عهد قدیم	عهد جدید
۱- شادی مغرورانه ۲- شادی تمسخر آمیز ۳- شادی توأم با هوس‌رانی و خوش‌گذرانی ۴- شادی بواسطه فرار از جنگ ۵- شادی احزاب و گروه‌ها ۶- شادی به زشتی‌ها	۱- شادی از مصیبت دشمنان ۲- شادی از تمسخر دیگران ۳- شادی از ناکامی دیگران ۴- شادی از گناه و شرارت	---

نتیجه گیری

دین بر پایه رأفت، مهربانی، وفق و مدارا استوار است و جز به سعادت دنیا و آخرت انسان نمی‌اندیشد، لذا او را از تنهایی، پوچی و ناامیدی رها کرده و به سوی امید و لذت‌های برتر انسانی رهنمون می‌سازد و دریچه‌های غم و اندوه حاصل از دنیا و تعلقات آن را بر روی او می‌بندد.

با توجه به مطالعات صورت گرفته در قرآن و عهدین، این نتیجه حاصل می‌آید که ادیان آسمانی درباره شادی و نشاط نقطه نظرات خاص خود را ارائه نموده‌اند. هر کدام از ادیان آسمانی در بسیاری از موارد، شادی‌هایی را تأیید نموده و در مواردی دیگر نیز از برخی امور که باعث شادی در انسان شده اما عواقب سوئی به همراه دارند، انسان را باز داشته‌اند. هر کدام از این ادیان به انواع شادی‌ها اشاره داشته و هر کدام الگوهای خاصی را در این رابطه به انسان‌ها ارائه داده‌اند.

از بررسی کلیه موارد مطرح شده در این مقاله می‌توان به این نکته رسید که شادی‌هایی که هم روحاً و هم جسماً باعث رشد و ترقی انسان بوده و او را از مسیر زندگی خارج ننماید، به عنوان شادی ممدوح و شادی‌هایی که هرگونه اذیت و آزاری را برای سایر مردم فراهم آورند به عنوان شادی مذموم شمرده می‌شوند.

دین‌داری حقیقی و پایبندی به ارزش‌های دینی اگرچه برخی شادی‌های مادی و طبیعی را محدود می‌کند، اما در عوض لذت‌ها و شادی‌های ارزشمند و متعالی را برای فرد و جامعه دین‌دار به ارمغان می‌آورد. در مقابل، آنچه را که انسان غافل از دین به عنوان «زندگی شاد» برای خود می‌پندارد، چیزی جز شادی‌های سطحی و مادی نیست که علاوه بر محروم کردن دیگران از شادی، غالباً مستلزم هزینه‌های فراوان، پیامدهای تأسف‌بار و بالاتر از همه، محروم شدن از لذت‌ها و خوشی‌هایی ابدی و معنوی است.

در زندگی جاودان و ابدی انسان، زندگی شاد جز در پرتو دین‌داری، تحقق نخواهد یافت و اگر زندگی شاد دنیوی را هم جستجو کنیم، با دین‌داری می‌توان به مصداق جامع، متعادل و صحیحی از آن دست یافت. البته لازم به ذکر است که قرآن کریم نسبت به این موضوع نگاه موشکافانه‌تری داشته و در این باره به تفصیل بحث کرده است، چرا که فرهنگ اسلامی، فرهنگی کامل است که تمام ابعاد زندگی انسان را زیر نظر داشته و تمام سخنان و توصیه‌های آن منطبق با خواسته‌های فطری انسان بوده و برای سعادت دنیا و آخرت او طراحی شده است.

یادداشت‌ها

۱. خاخام بزرگ قرن دوم میلادی.
۲. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: (اعلم، ۱۳۶۷، ص ۵۲).

کتابنامه

- قرآن کریم.
- کتاب مقدس (عهدین)، ترجمه تفسیری انجمن کتاب مقدس.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۱ق)، تحف العقول عن آل رسول الله (ص)، ترجمه بهزاد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دمشق: دارالعلم الدارالشامیه.
- اشرفی، عباس (۱۳۸۵)، عبادات در ادیان ابراهیمی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- اعلم، امیر جلال الدین (۱۳۶۷)، فرهنگ اعلام کتاب مقدس، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- اکبری، محمود، (۱۳۸۵)، غم و شادی در سیره معصومین، قم: نشر صفحه نگار، چاپ دوم.
انجیل لوقا چه می‌گوید (۱۳۶۴)، تهران: کانون یوحنا رسول.
انجیل مرقس چه می‌گوید (بی‌تا) تهران: کانون یوحنا رسول.
ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، مراحل اخلاق در قرآن کریم، قم: نشر اسراء.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم.
سماک امانی، محمد رضا (۱۳۸۵)، شادی در اسلام، کرج: نشر آموزش، چاپ دوم.
شرف الدین، جعفر (۱۴۲۰ق)، الموسوعة القرآنیة، بیروت: دار التقرب بین المذاهب الاسلام.
صانعی، صفدر (بی‌تا)، سلامت تن و آرامش روان در اسلام، تهران: انتشارات علمی.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی.
قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
کاتسینگر، جیمز اس (۱۳۸۸)، تفرج در باغ حکمت، ترجمه سید محمد حسین صالحی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم.
کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابخانه محمد حسن علمی.
محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۸)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: دارالحدیث، چاپ دوم.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، انسان و ایمان، تهران: صدرا، چاپ بیست و ششم.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
منسکی، ورنر (۱۳۷۸)، اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محمد حسین وقار، تهران: اطلاعات، چاپ سوم.
والز، اندرو (۱۳۸۵)، مسیحیت، ترجمه احمد رضا مفتاح و حمید بخشنده، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ دوم.
ویلسون، برایان (۱۳۸۱)، دین مسیح، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.